

# تحلیل وضعیت چالش‌های مرزی منطقه خلیج فارس با تأکید بر موقعیت جمهوری اسلامی ایران

محمدرضا میرشکاری<sup>۱</sup>

پروین دانشور<sup>۲</sup>

آرش قربانی سپهر<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۰۵

## چکیده

دارد که اغلب کشورهای این حوزه با یکدیگر مشکل مرزی دارند که اختلافات ناشی از آن بی‌تردید مانع گسترش همکاری میان کشورهای منطقه می‌شود؛ اما باید اشاره کرد که اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای حوزه خلیج فارس پدیده جدیدی نیست و ریشه آن به چند دهه گذشته بازمی‌گردد. در نهایت اینکه چالش اختلافات مرزی و ارضی، جمهوری اسلامی ایران را در منطقه خلیج فارس با مسائل و چالش‌های دیگری در سطوح و فضاهای مختلف طی دو دهه آینده روبه‌رو خواهد ساخت و زمینه‌ساز ظهور کشمکش‌ها، درگیری‌ها، بحران‌ها و چالش‌های دیگری در فضاهای جغرافیایی مختلف خواهد شد. باید توجه داشت که این چالش‌ها در تعامل گسترده‌ای با یکدیگر قرار داشته و بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند.

خلیج فارس از مهم‌ترین مناطق جهان از منظر ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک محسوب می‌شود. بدین ترتیب حفظ امنیت این حوزه نه تنها برای نظام‌های سیاسی همسایه حیاتی است بلکه تأثیر بسزایی بر ثبات و یا بی‌ثباتی امنیت نظام بین‌الملل دارد. از این‌رو، این منطقه همواره با نشانه‌هایی از درگیری، ستیز و جنگ‌های منطقه‌ای روبه‌رو بوده است. بر این مبنای مقاله به بررسی تنش‌های مرزی شکل گرفته در منطقه خلیج فارس با رویکرد واقع‌گرایانه پرداخته است. روش تحقیق مقاله حاضر با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی و تحلیلی است و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان از آن

۱. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

mohammadreza.mirshकारी@mail.um.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و دفاع مقدس دانشگاه ارومیه.

paryparvin@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

(نویسنده مسئول). ar.ghorbani-sepahr@mail.um.ac.ir

## کلیدواژه

مرز؛ چالش‌های مرزی؛ خلیج فارس؛ ایران.

## مقدمه

منطقه حضور دارند که این مسئله نه تنها موجب شکل‌گیری نوع نگاه متفاوت هر یک از این نظام‌های سیاسی در تأمین امنیت منطقه خواهد شد بلکه با تأثیرگذاری بر عملکرد هریک از آنان شرایط بروز بی‌ثباتی و ناامنی را در منطقه به وجود خواهد آورد؛ لذا عملکرد نظام‌های سیاسی حوزه خلیج فارس موجب شکل‌گیری یک گسل امنیتی در منطقه شده است. گسلی که منجر به بروز ناپایداری در نظام‌های اجتماعی کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد شد. از سوی دیگر وضعیت پیچیده ژئوپلیتیکی این منطقه و تأمین امنیت آن، تبدیل به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های سیاسی این حوزه و یکی از حادترین اقدامات استراتژیک کشورهای ساحلی آن و قدرت‌های بزرگ درآمده است؛ چراکه هر یک از نیروهای خودی و غیرخودی این منطقه، از دیدگاهی که منافع ملی آنان را تحقق می‌بخشد؛ به امنیت این منطقه توجه می‌کنند (خویی، ۱۳۷۲: ۵۹). خلیج فارس در زمره مناطقی محسوب می‌شود که همواره با نشانه‌هایی از درگیری، ستیز و جنگ‌های منطقه‌ای روبه‌رو بوده است. دخالت قدرت‌های بزرگ و نیز بی‌اعتمادی کشورهای منطقه‌ای در حوزه سیاست خارجی، زمینه‌های لازم برای توسل به قوه قهریه را فراهم آورده است. از آنجاکه حوادث منطقه‌ای ماهیت پیش‌بینی‌ناپذیر دارد، در نتیجه ائتلاف‌ها به سرعت درهم شکسته می‌شود و هر بازیگری تلاش می‌کند تا اصلی‌ترین متحدان خود را از طریق ابزارهای منازعه‌آمیز کنترل کند (پاتر، ۱۳۷۴: ۳۹). این چنین روابط تقابلی در منطقه خلیج فارس، این منطقه را به‌عنوان یکی از مناطق بحرانی جهان تبدیل کرده است. این وضعیت بحرانی که سوئل کوهن<sup>۱</sup> از آن به‌عنوان منطقه شکننده<sup>۲</sup> نام می‌برد؛ در یک دوره گذار به سر می‌برد که از فردای پایان جنگ سرد در قالب نظام نوین جهانی در منطقه ایجاد شد. وضعیتی که به دلیل ماهیت

خلیج فارس از جمله مناطق بسیار مهم و استراتژیک در چرخه قدرت جهانی است که منابع انرژی فسیلی عظیمی را در خود جای داده است. وجود این منابع عظیم انرژی از یک سو منجر به دخالت قدرت‌های خارجی در این منطقه شده و از سوی دیگر، حضور این قدرت‌های خارجی در دهه‌های گذشته نوعی شبه استعمار را به دنبال داشته است (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۲). بر این اساس، خلیج فارس به یکی از مهم‌ترین کانون‌های منازعه و بحران در جهان تبدیل شده است (بهزادی، ۱۳۸۹: ۱۵). کشورهای حوزه خلیج فارس برای تأمین امنیت منطقه‌ای خود همواره با موضوع «معمای توافق» روبه‌رو بوده‌اند. این موضوع انعکاس فضای «آناشری منطقه‌ای» و همچنین برخی از «نفع‌طلبی‌های نزدیک‌بینانه» است که تحت تأثیر ادبیات و «فرآیند موازنه قدرت» قرار دارد (قرلباش و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). از این رو، امنیت منطقه خلیج فارس افزون بر ابعاد منطقه‌ای دارای اهمیت و ابعاد بین‌المللی است. به‌عبارت‌دیگر امنیت خلیج فارس را می‌توان در کانون امنیت بین‌المللی محسوب کرد و اضافه بر مسائلی مانند امنیت انرژی، مسائل جدیدی مانند تروریسم پیوند امنیت این منطقه با امنیت جهانی را افزایش داده است. بر این بنیاد، ایجاد سازوکارهای مناسب برای شکل‌دهی به امنیت پایدار با توجه به موانع و چالش‌های موجود، دغدغه‌ای با ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی تلقی می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). منطقه خلیج فارس به دلیل ذخیره‌سازی حجم بالای منابع و ذخایر انرژی و ارزش‌های ژئوپلیتیکی پنهان و آشکاری که در خود نهفته دارد، کانون همگرایی و اشتراک منافع هشت کشور یعنی امارات متحده عربی، ایران، بحرین، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت قرار دارد که به‌صورت یک واحد ژئوپلیتیکی کم‌نظیر در سطح سیاره زمین مطرح است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۲: ۷۶).

1. Saul Bernard Cohen

2. ShAtter Belt

شایان‌ذکر است که سوئل کوهن این اصطلاح را برای خاورمیانه بکار برده است اما قدری تأمل نشان خواهد داد که کانون این شکنندگی منطقه خلیج فارس است.

یکی از مؤثرترین مؤلفه‌هایی که بر امنیت این منطقه تأثیرگذار است، ترکیبی از نظام‌های سیاسی است که در این

فراهم آورد و زمینه شکل‌گیری یک هویت ملی را در کشور به وجود آورد. به بیانی دیگر، مرزها خطوطی هستند در فضا که محدوده حاکمیت، مالکیت و صلاحیت در سطوح مختلف فردی، گروهی، ملی و منطقه‌ای را مشخص می‌کنند.

## ۲.۲. کارکردهای مرز

از وظایف جغرافیای سیاسی کمک به توضیح کارکردهای مرزهای سیاسی به‌عنوان یک وسیله ضروری از تشکیلات فضایی انسان و زندگی با آن در یک راه هوشیارانه است. در این راستا مرز ممکن است جداکننده یا پیونددهنده باشد، اما بیشتر اوقات مشاهده می‌شود که هر دو کارکرد را به‌صورت هم‌زمان دارند. از سوی دیگر باید توجه داشت، مرزها تاکنون کارکردهای مختلفی به خود گرفته‌اند و به مرور زمان این کارکردها تضعیف و یا تقویت شده و یا تغییر کرده است. همچنین، مرز به‌تنهایی دارای یک نقش است که عبارت از تحدید حدود منطقه‌ای است که در درون آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود. متناسب با این تعریف مهم‌ترین کارکردهای مرز را می‌توان در قالب دو بخش به‌صورت ذیل بیان کرد (جان‌پرو، ۱۳۹۶: ۵۷-۶۱)؛

**الف) کارکردهای ذاتی مرزها:** این بخش از کارکرد مرز برگرفته از ماهیت ذاتی مرزها است و در همه مرزهای سیاسی بین کشورها یکسان است و در طول زمان نیز تغییر نکرده و از بین نمی‌رود و به‌صورت پایدار تا زمانی که کشور مدنظر موجودیت خود را در عرصه سیاسی جهان حفظ نماید، وجود دارد. از جمله کارکردهای ذاتی مرزها عبارت‌اند از: ۱. کارکرد هویت بخشی ۲. کارکرد تفکیک سرزمین ۳. کارکرد تفکیک منافع ۴. کارکرد امنیتی ۵. کارکرد تفکیک حاکمیت ۶. کارکرد حقوق مالکیت ۷. کارکرد ایجاد تعلق یا عدم تعلق (حق شهروندی).

پرتلاطم خود؛ شرایط نابسامانی را پیش روی کشورهای این منطقه قرار داده است (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۸)؛ بنابراین، بررسی چالش‌های گوناگون سیاسی-امنیتی در وضعیت کنونی خلیج فارس، می‌تواند چشم‌انداز واقع‌بینانه‌تری را در دستور کار کشورهای این منطقه به‌ویژه برای کشور ایران قرار دهد. از این روی، این مقاله به بررسی تنش‌های مرزی شکل‌گرفته در منطقه خلیج فارس با توجه به موقعیت ایران در این منطقه پرداخته است روش تحقیق مقاله حاضر با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی است و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی انجام شده است.

## ۱. ادبیات نظری تحقیق

### ۱.۱. مرز

مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا و ... مانع ایجاد می‌کند (دراسیدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱). مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملی را مشخص می‌کند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۹). بایستی یادآوری کرد مرزها به‌صورت دیوارهایی زندگی، هویت، خانه، کشور، حکومت، منافع (ملی) و ... را از دیگران جدا می‌کنند و به شما و آنها اعتبار و هویت می‌دهند. (حافظ‌نیا و جان‌پرو، ۱۳۹۳: ۳۵). همچنین مرز به‌طور قراردادی و به‌عنوان محیط مشخص داخلی که مردم مقیم در آن کشور احساس احراز هویت می‌کنند و سهمی در یک هویت ملی دارند مستفاد می‌شود. به‌طوری‌که وجود همین خطوط مرزی است که می‌تواند وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد ممکن سازد (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۶۱) و افزون بر متمایز شدن یک ملت از دیگران می‌تواند موجبات همبستگی آنها را

#### ۴.۲. تنش‌های ژئوپلیتیکی در فضاهای جغرافیایی

دولت‌ها عموماً تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی در کنش و واکنش با محیط پیرامونی خود به سر می‌برند. نظام هنجاری، فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از عمده مسائل مورد توجه نظام حاکم بر کشورهاست که در تعامل با یکدیگر واحدهای سیاسی خرد و کلان انگیزه تعامل و همگرایی یا ستیزش و واگرایی را در سطح حاکمیت ملی یا نظام خرد و سطح کلان یا همان نظام بین‌الملل تحت شعاع خود قرار می‌دهد. روابط همسایگی در سیاست بین‌الملل تحت تأثیر چهار فضای تودرتو و پیوسته است: ۱. فضای بلافصل ۲. فضای منطقه‌ای ۳. فضاهای محیطی ۴. فضای بین‌الملل.

دو کشور همسایه با مرزهای مشترک، تحت تأثیر مستقیم فضای بلافصل قرار دارند. نوع مرز، طول مرز، منابع انسانی دو سوی مرز، درجه بلوغ مرز، نوع اختلافات مرزی و چندین عامل دیگر تشکیل‌دهنده فضا هستند. به عبارت دیگر، فضای بلافصل مرزی، منعکس‌کننده نوع روابط میان همسایگان است. در همین فضاست که بیشترین تأثیرات همگنی‌ها و ناهمگنی‌ها یا رقابت و همکاری‌ها به وضوح آشکار می‌شود. همچنین نقش عوامل جغرافیایی در این فضا به گونه‌ای مستقیم قابل رؤیت است. فضای منطقه‌ای روابط کشورهای عضو یک منطقه جغرافیایی را تحت الشعاع قرار می‌دهد، فضای محیطی روابط مناطق محیطی و پیرامونی را بر یکدیگر تعیین می‌کند و فضای بین‌المللی روابط کشورها را در سطح جهانی و شرایط بین‌الملل شامل می‌شود (موفقیان و فرجی راد، ۱۳۹۱: ۸۰). به واسطه پیوستگی جغرافیایی کشورها در فضای بلافصل و قرارگیری در فضای جغرافیایی مشترک علی‌رغم تشابهات فراوان، به دلیل ادعاهای و تعارضات برخاسته از هم‌جواری و عمق تنش‌ها در این فضا بیشتر بوده و از اهمیت خاصی برخوردارند. تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف داخلی، ملی، منطقه‌ای

(ب) کارکردهای اکتسابی مرزها: کارکردهایی که در این بخش بیان می‌شوند به گونه‌ای هستند که متناسب با زمان، نیازها و اهداف کشور، تحولات فناوری و ... به مرزها داده می‌شوند و با گذشت زمان یا تغییر در اهداف و نیازها یا فناوری‌های موجود دچار تغییر شده و یا کمرنگ یا پررنگ می‌شوند و یا اینکه به صورت کامل از بین می‌روند. این کارکردها عبارت‌اند از: ۱. کارکرد مانعی ۲. کارکرد مشروعیت بخشی ۳. کارکرد ملت‌سازی ۴. کارکرد اقتصادی؛ اما می‌توان برای مرز کارکردهای دیگری را مانند کارکرد دفاعی، کارکرد سیاسی، کارکرد اجتماعی و کارکرد فرهنگی در نظر داشت.

#### ۳.۲. اختلافات مرزی

منظور از اختلافات مرزی، اختلاف دو کشور هم‌جوار بر سر مرز مشترک از جنبه‌های مختلف مکانی، سرزمینی، عملکردی و ... در سطوح مختلف خرد تا کلان است. مراحل تحدید حدود و علامت‌گذاری که معمولاً همراه با قراردادهای مرزی صورت می‌گیرد، هیچ دولتی را از اختلافات مرزی مصون نمی‌دارد. به عقیده اس. بی. جونز<sup>۱</sup> «مرز مثل پوست، ممکن است مرض مربوط به خود را داشته باشد یا منعکس‌کننده امراض بدن باشد» (درایسدل، ۱۳۷۴: ۱۱۲). امروزه کمتر منطقه‌ای را در سطح جهان می‌توان یافت که در آن اختلافات مرزی بین کشورها وجود نداشته باشد. برشمردن این نزاع‌های مرزی و سرزمینی به‌طور دقیق امکان‌پذیر نیست. به گفته مارتین گلاسنر<sup>۲</sup> تعداد اختلافات مرزی عمده فقط در خشکی‌ها حدود ۱۰۰ مورد است که اگر جزایر مورد نزاع را نیز به حساب آوریم تعداد آنها بسیار بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، نزاع‌ها در مورد مرزهای دریایی مقوله‌ای بزرگ‌تر را شامل می‌شود، هرچند این نزاع‌ها عمدتاً با نزاع‌های روی خشکی مرتبط است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

1. Walter B. Jones Sr  
2. Martin Glaessner

همزیستی و همکاری در روابط با کشورهای دیگر است. چنین سیاستی سعی دارد در عرصه بین‌الملل با پیروی از اصول همزیستی، همکاری و همگرایی بر اساس اعتماد و حسن نیت، روابط با کشورها را توسعه دهد و برخوردهای دوستانه و تعامل را جایگزین روابط خصمانه و تقابل کند و بدین ترتیب گامی به سوی نظام صلح بین‌الملل بردارد (برزگر، ۱۳۸۰: ۱۶۱).

## ۲.۶. بحران

بحران یک واژه فراگیر برای توصیف هرگونه آشفتگی و بی‌نظمی است (برچر و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۹). بحران لفظی یونانی و معرب است و معادل واژه Crisis در انگلیسی است که ریشه یونانی آن Krisis به معنای نقطه عطف در بیماری است. در فرهنگ چینی واژه بحران معادل فرصت خطرناک است؛ یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت یا این‌که واژه بحران به یک تغییر و تحول ناگهانی اشاره دارد که از قبل پیش‌بینی نمی‌شده است. به نظر می‌رسد تعریف چینی‌ها از بحران به‌عنوان یک فرصت و تهدید منطقی‌تر است. این تعریف از نظر مدیریتی (تصمیم‌سازی) به بحران نگریده و به دور از مناقشات مفهومی و کلامی، هر بحران را به‌عنوان یک عرصه تدبیر و تصمیم (ترکیبی از تهدیدها و فرصت‌ها) مورد مطالعه قرار دهد. از این رو، شاید کمتر واژه‌ای همچون بحران ادبیات معاصر و از جمله ادبیات علوم اجتماعی را به خود مشغول داشته و رشته‌های علمی مختلف را درگیر ساخته است؛ بنابراین، تنوع در پدیده‌هایی که بحران خوانده می‌شوند، هنوز کمتر از تنوع در تعریف‌هایی است که از این واژه ارائه شده است (حسینی، ۱۳۸۵: ۸). به هر ترتیب می‌توان گفت، بحران وضعیتی گذراست که به دلیل وجود تهدیدات، یک سیستم از حالت تعادل خارج می‌شود به گونه‌ای که برگشتن به حالت تعادل با دشواری و هزینه زیادی همراه باشد (قربانی‌سپهر و همکاران، ۱۳۹۷: ۳).

و جهانی سابقه‌ای به درازای عمر بشر دارد و همواره در طول تاریخ سیاسی و اجتماعی انسان مشاهده شده است. حکومت نیز به‌عنوان بارزترین واحدهای سیاسی دارای حاکمیت و اقتدار در فضای سرزمین تحت کنترل خود به خاطر تلاش برای بقای ملی و گسترش حوزه نفوذ و نیز دستیابی به منافع ملی خود، روابطی مبتنی بر تنش و منازعه را با همسایگان و کشورهای دیگر تجربه کرده‌اند (قربانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

## ۲.۵. تنش‌زدایی چیست؟

اصطلاح تنش‌زدایی یا تشنج‌زدایی در زبان فارسی ترجمه واژه فرانسوی Detente به معنای کاهش تنش میان دولت‌ها است که به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۶۰ م. در عرف سیاست بین‌المللی رایج شد (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۹). سیاست تنش‌زدایی ضمن قبول وجود نظام‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی متضاد، با بهره‌گیری از ضرورت تأمین امنیت منطقه‌ای و جهانی معتقد است که نباید اجازه داد اختلافات ایدئولوژیکی و سلیقه‌های سیاسی بر روابط میان کشورها تأثیر بگذارد. باید فضایی در روابط دوجانبه و چندجانبه شکل گیرد که تفاهم و اعتماد متقابل جایگزین ترس و سوءظن شود (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲). در واقع، سیاست تنش‌زدایی ضمن به رسمیت شناختن واقعیت‌های تاریخی بر شناسایی اولویت برای ارزش‌های انسانی مبتنی است؛ بنابراین، در یک جهان به هم وابسته، همکاری برای دفاع از ارزش‌های انسانی نسبت به منازعه میان نظام‌های سیاسی در اولویت قرار دارد (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۳۶). از این رو سیاست تنش‌زدایی سعی می‌کند با شناسایی وضع موجود و ضرورت القای نظم جدید به تعارض‌های غیرنظامی، روابطی صلح‌آمیز میان دو کشور خصم برقرار کند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳). به عبارت دیگر، تنش‌زدایی به معنای روی آوردن به سیاست خارجی‌ای است که مبتنی بر سازگاری،



## ۲. موقعیت جغرافیایی منطقه

خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع در جنوب، بین ۲۴ تا ۳۰ درجه عرض شمالی و ۴۸ و ۵۷ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد و از شمال به کرانه‌های ایران و از شرق به خلیج عمان و از جنوب و غرب به شبه جزیره عربستان محدود است. درازای خلیج فارس از دهانه اروندرود تا کرانه‌های ابوظبی ۸۳۰ کیلومتر است و کمترین پهنای آن از دماغه نابند (در ایران) تا رأس راکان (در شمال شبه جزیره قطر) ۱۸۵ کیلومتر و بیشترین پهنای آن از بندر جزه (ایران) تا کرانه‌های سلیه (امارات متحده عربی) ۳۵۵ کیلومتر است (هاشمی و منتظری، ۱۳۹۵: ۹۸).



شکل ۱: نقشه جغرافیایی کشورهای حاشیه خلیج فارس (هاشمی و منتظری، ۱۳۹۵: ۹۸)

عرض متوسط تنگه هرمز ۲۶ مایل دریایی است که کمترین فاصله دو نقطه آن بین جزیره لارک و رأس المسندم و نیز بین جزیره هنگام و رأس شیخ مسعود حدود ۵۰ کیلومتر است که اگر عمق متوسط آن در این مقطع ۵۰ متر در نظر گرفته شود، سطح برش مقطعی آن به دو میلیون و پانصد هزار مترمربع می‌رسد. در اطراف تنگه هرمز چهار جزیره قشم، لارک، هرمز و هنگام متعلق به ایران و جزایر کوچک السلامه گپ، گوان و النغم متعلق به عمان قرار گرفته است (همان، ۹۹).

## ۳. اهمیت منطقه خلیج فارس

موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی و حتی ژئوکالچر منطقه خلیج فارس اهمیت سرشاری را به این منطقه بخشیده و به خاطر همین موقعیت حساس همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ خود بوده است. از لحاظ استراتژیکی منطقه خلیج فارس بین اقیانوس‌های مختلفی واقع شده است. این منطقه یکی از شاخک‌های امنیتی اقیانوس هند است. اقیانوس هند متصل به دریای عمان و خلیج فارس است و از طرف دیگر با دو اقیانوس آرام و آتلانتیک در ارتباط است. این ویژگی خاص به منطقه خلیج فارس بُعد بین‌المللی بخشیده است؛ بنابراین امنیت این منطقه همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است (جالینوسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۳). یکی دیگر از دلایل اهمیت استراتژیکی منطقه خلیج فارس وجود تنگه هرمز است. تنگه هرمز گذرگاهی هلالی شکل است که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند. تنگه هرمز یکی از ۱۱ تنگه مهم دنیاست که برای ابرقدرت‌ها اهمیت اقتصادی و استراتژیکی بسیار دارد (اسدی، ۱۳۸۵: ۵۷). افزون بر اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، منطقه خلیج فارس به لحاظ ژئواکونومیکی نیز اهمیت دارد. این منطقه نقش مهمی را در ارتباطات تجارت دریایی ایفا می‌کند. همچنین وجود منابع سرشار انرژی اهمیت منطقه را دوچندان کرده است. غنی‌ترین و متمرکزترین ذخایر و میدان‌های نفتی جهان در این منطقه قرار دارد، جدای از این ذخایر نفتی، منطقه دارای ذخایر غنی گاز طبیعی در مراتب بالای جهانی است (همان، ۴۲).

یکی از عوامل بسیار مهم که باعث شده تا کشورهای استعماری و قدرت‌های مهم جهانی وارد محوطه خلیج فارس شوند، همین موقعیت مهم و حیاتی جغرافیای خلیج فارس بوده است. اگرچه مجتهدزاده از اهمیت سیاسی سخن گفته ولی اهمیت اقتصادی را نمی‌شود نادیده گرفت. وی معتقد است:

برخورد بین دو نوع ناسیونالیسم رمانتیک ایرانی- عربی از یک سو و برخورد‌های مذهبی سنتی- شیعی از سوی دیگر، از جمله این موارد به حساب می‌آیند. از دیگر عوامل ساختاری که می‌توانند به عنوان کانون بحران‌سازی منطقه محسوب شوند، عوامل ارضی، اقتصادی و ساختار قدرت است. به لحاظ آنکه کشورهای جنوب خلیج فارس مخلوق بازی‌های استعماری دو قرن اخیر هستند، طبیعی است که آمادگی چندانی برای پذیرش مرزهای موجود ندارند. اتکای این بازیگران به اقتصاد تک‌محصولی نفتی از جمله موارد دیگری است که منافع اقتصاد این بازیگران را در رقابت با یکدیگر قرار می‌دهد. وجود سه بازیگر برتر منطقه؛ یعنی، «ایران، عراق و عربستان»، ساختار خاصی از قدرت را به وجود آورده است که بر اساس آن نوعی مسابقه تسلیحاتی بدبینانه در روابط سیاسی بین کشورها به وضوح دیده می‌شود (روشندل و سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۳).

همچنین از لحاظ دینی و مذهبی نیز خلیج فارس مرکز ظهور بزرگ‌ترین دین جهان، یعنی اسلام است که این امر اهمیت ژئوکالچری منطقه را سبب شده است. با این توضیحات متوجه خواهیم شد که چرا منطقه خلیج فارس در طول تاریخ خود مورد توجه قدرت‌های بزرگ و از جمله ایالات متحده آمریکا بوده است. در واقع این منطقه به دلیل موقعیت برتر خود، سهم زیادی در افزایش قدرت ابرقدرت‌ها خواهد داشت. همان‌گونه که گفته شد به خاطر اهمیت فراوان منطقه خلیج فارس، از دیرباز مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. اسکندر مقدونی در زمان خود (اقتداری، ۱۳۸۷: ۵۵)؛ و از قرن ۱۵ میلادی به بعد نیز به ترتیب پرتغال‌ها، هلندی‌ها فرانسوی‌ها، روس تزاری، آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها تا زمان خروج خود از منطقه و حتی پس از آن به دلیل موقعیت حساس سیاسی خلیج فارس به این منطقه توجه خاصی داشتند. حتی در دوران دو جنگ جهانی نیز اهمیت منطقه خلیج فارس انکار نشدنی است (اسدی، ۱۳۸۵: ۸۵-۶۰). در دوره جنگ سرد منطقه خلیج فارس عرصه تاخت‌وتاز

«عامل دیگر که موقعیت این منطقه را، به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک ویژه قوام بیشتری داده است، اهمیت استراتژیک آن است. بدین ترتیب پرتغالی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و روس‌ها هر یک دریافتند که چیرگی بر این منطقه نقش حساسی در پیروزی سیاست‌های استعماری آنان در خاورمیانه خواهد داشت. باشکست فرانسویان در جنگ‌های ناپلئون، بریتانیایی‌ها، روس‌ها، ایرانیان، عثمانیان و وهابیان رقیبان اصلی در منطقه شدند» (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۰).

کشورهای پیرامون خلیج فارس در معادلات مربوط به حوزه ژئواکونومیک به دلایل زیر نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده به خود اختصاص خواهند داد:

۱. برخورداری از پتانسیل‌های بالفعل و بالقوه اقتصادی مرتبط با خلیج فارس ۲. قرار گرفتن در محور بیضی انرژی و اهمیت یافتن اقتصاد کشورهای اسلامی ۳. اتصال کمربند اقتصادی جنوب آسیا به مناطق ساحلی در جنوب قاره اروپا با محوریت کشورهای اسلامی پیرامون خلیج فارس ۴. به وجود آمدن فرصت‌های مناسب جهت نقش‌آفرینی کشورهای اسلامی پیرامون خلیج فارس در فرآیند جهانی شدن.

افزون بر موارد فوق، نباید از نظر دور داشت که اتحاد کشورهای اسلامی پیرامون خلیج فارس افزون بر بهره‌مندی موردی این کشورها، به قدرتمندی جهان اسلام نیز منجر می‌شود. بدین ترتیب با توجه به وضعیت خاص خلیج فارس، سه دسته از عوامل زیر می‌توانند کانون‌های بحران منطقه‌ای را فراهم آورند:

۱. عوامل سنتی- پیشینی؛
۲. عوامل ساختاری؛
۳. برخورد دو دسته از عوامل سنتی- پیشینی و ساختاری.

هریک از عوامل نیز به اجزایی تقسیم می‌شوند. به عنوان مثال، مطالعات جامعه‌شناختی و تاریخی، پژوهشگران را قانع ساخته است که تعارضات قومی- ملی و اختلاف‌های مذهبی از جمله عوامل مهم سنتی - پیشینی منطقه است.

تداوم حضور خود در منطقه و ایجاد روابط با کشورهای عربی فضای رعب‌انگیز و تنش‌زا در ارتباط ایران با کشورها به وجود آورد. کشورهای عربی به دلیل ترس از انقلاب اسلامی ایران سعی کردند در مقابل این انقلاب واکنش نشان داده و شورای همکاری خلیج فارس را با هدف تأمین امنیت منطقه‌ای به وجود آورند (طالعی حور و صبوری، ۱۳۹۱: ۱۹۱-۱۹۰). شورای همکاری خلیج فارس از شش کشور عربی تولیدکننده نفت شبه‌جزیره عربستان یعنی عربستان، کویت، امارات متحده عربی، بحرین، قطر و عمان تشکیل شده است. فکر تشکیل چنین شورایی در اوایل دهه ۱۹۷۰ م. (۱۳۵۰) وجود داشت؛ اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با فروریختن پایه‌های قدرت آمریکا در منطقه و احساس خطر و نا امنی، حکام منطقه نسبت به آینده رژیم‌های خود در مقابل گسترش انقلاب اسلامی و همچنین با توجه به سیاست جدید آمریکا در منطقه برای ایجاد کمربند امنیتی تشکیل بین کشورهای کوچک‌تر منطقه بار دیگر مورد توجه جدی قرار گرفت. بر همین اساس جلسات و دیدارهایی توسط مقام‌های ۶ کشور عربی صورت گرفت و در کلیه مذاکرات تشکیل شورایی از ۶ کشور محور تصمیمات قرار داشت به طوری که در نوامبر ۱۹۸۰ دو ماه بعد از جنگ تحمیلی و در یازدهمین اجلاس سران عرب در امان پایتخت اردن، امیر کویت از رهبران کشورهای عربی خلیج فارس خواست در مورد ایجاد یک استراتژی مشترک و نیز همکاری در زمینه‌های مختلف بیندیشند (همان، ۱۹۱).

در این راستا در بهمن ماه سال ۱۳۵۹ پس از تشکیل سومین اجلاس سران کشورهای اسلامی در طایف عربستان، رهبران شش کشور حوزه خلیج فارس در حاشیه اجلاس یک اجلاس غیررسمی تشکیل دادند. دستور کار این اجلاس بررسی موضوع همکاری بین کشورهای منطقه بود. نتیجه اقدامات و مذاکرات سرانجام منجر به تشکیل شورا در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۶ شد (همان، ۱۹۲).

سیاست‌های دو ابرقدرت آمریکا و شوروی بود و امروزه نیز ایالات متحده آمریکا به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر و قدرت‌های دیگر با اتخاذ سیاست‌هایی درصدد تثبیت هرچه بیشتر جایگاه خود در خلیج فارس هستند.

#### ۴. شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس و اهداف آن

وجود منافع اقتصادی، ایدئولوژیک و امنیتی مشترک، دولت‌ها را بر آن می‌دارد که در چهارچوب همکاری‌های درون‌گروهی، اتحادها و ائتلاف‌هایی را به وجود آورند؛ شورای همکاری خلیج فارس یکی از سازمان‌هایی است که ابتدا در تشکیل آن بر همکاری اقتصادی تأکید شد در حالی که امنیت منطقه‌ای زمینه اصلی تشکیل شورا بود ولی بنا به ملاحظات در ظاهر اهداف اقتصادی در اولویت قرار گرفته بود. به هر حال، می‌توان گفت پیروزی انقلاب اسلامی اصلی‌ترین دلیل بر شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس شد. این انقلاب با دارا بودن آرمان‌های جهانی و اهداف ضد امپریالیستی در منطقه‌ای استراتژیک همچون خلیج فارس، الگوی جدیدی را به وجود آورد و با به چالش کشیدن قدرت‌های مسلط جهان در زمان خود، باعث شد الگوی توزیع قدرت جهانی و منطقه‌ای دستخوش تغییر و تحول اساسی شود. انقلاب اسلامی ایران با رویکردی مردمی و بر اساس ارزش‌های دینی و تمدن اسلامی علیه سلطه نظام‌های خارجی و در رأس آن آمریکا، بر شئون دینی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جوامع، تحول جدی و جدیدی را در منطقه و در میان رژیم‌های عرب حاکم کرد که تمام جوامع جهان را چه به صورت دفاع و حمایت و یا به صورت حمله و تهدید، به واکنش واداشت. کشورهای عربی در منطقه به دنبال احساس خطر، اقدام به واکنش‌های جدی و خطرناکی کردند که البته در این میان نباید از نقش آمریکا در تحریک این کشورها غافل شد. آمریکا با اعتقاد به اینکه پیامدهای ایدئولوژیک سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران می‌تواند فضای ژئوپلیتیکی خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده و امنیت آمریکا و کشورهای منطقه را به خطر اندازد سعی کرد با



۲. هماهنگی با استراتژی منطقه‌ای آمریکا، مسلح کردن عربستان و تبدیل آن به ستون اصلی سیاست آمریکا در منطقه، مستلزم ایجاد یک پوشش وسیع منطقه‌ای و جلب و جذب سایر کشورهای منطقه در استراتژی نظامی آمریکا بود تا بدین وسیله عربستان در منطقه تنها نباشد.

۳. دلیل دیگر می‌توانست آن باشد که با سقوط رژیم شاه در ایران، حلقه اتصال بین پیمان ناتو و سیتو گسسته بود و جایگزینی آن توسط کشورهای شبه جزیره عربستان دارای اهمیت بود.

۴. تشکیل شورا توان مقاومت این رژیم‌ها را در مقابله با نیروی‌های پیشرو و مترقی جهان عرب افزایش می‌داد.

۵. البته مقابله با تهدید شوروی نیز به‌عنوان عامل دیگر می‌توان مورد توجه قرار گیرد، چنین تهدیدی با نفوذ شوروی در افغانستان جدی‌تر شده بود (الهی، ۱۳۸۴: ۴۲۴-۴۲۱).

به‌هر حال، موارد بالا مشخص می‌کند که شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ماهیتی امنیتی و آماج‌های راهبردی داشته و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

شورای همکاری خلیج فارس جدا از حمایت‌های مالی چندین میلیارد دلاری و نیروی نظامی و نیز در اختیار عراق قرار دادن برخی از سرزمین‌های استراتژیک خود همچون جزیره بویان و وره کویت علیه ایران و همچنین تشکیل سپر جزیره در سال ۱۳۶۶ برای کمک اطلاعاتی به عراق در جنگ تحمیلی، بعد از جنگ ابعاد تهدیدی شورا علیه ایران با توجه به سیاست‌های هراس افکنانه کشورهای غربی، گسترده شده و جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های امنیتی مواجه کرده است (طالعی‌حور و صبوری، ۱۳۹۱: ۱۹۷).

زمان تشکیل این شورا نیز مهم است. هنگامی که آمریکا به این نتیجه رسید توان حمله نظامی مستقیم موفقیت‌آمیز به ایران را ندارد و زمانی که حمله نظامی عراق به ایران نتوانستند سقوط نظام جمهوری اسلامی ایران را موجب شود و هر یک از این عوامل حکایت از توان و قدرت نظامی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران می‌نمود، کشورهای عربی خلیج فارس برای حفظ حکومت خود در مقابل قیام‌های احتمالی درونی به دنبال نقطه‌های اتکا می‌گشتند. با توجه به خواست آمریکا برای اعمال سیاست کمربند امنیتی، این کشور آماده‌ترین و مناسب‌ترین حامی بود، اما توسل علنی به این قدرت خارجی خود دلیل و علتی برای تشویق و سرعت بخشیدن به قیام‌های مردم منطقه می‌شود. شورای همکاری خلیج فارس با هماهنگی در سیاست خارجی اعضا می‌توانست تا حدودی این مشکل را کاهش دهد و سرکوب قیام‌های داخلی را با شدت و توان بیشتری به انجام برساند. در این میان عراق نیز مخالف قبلی خود را با تشکیل چنین شورایی کنار گذاشت. عراق تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را در حقیقت کوششی در جهت هماهنگ کردن کمک و حمایت دولت‌های عضو شورا از عراق می‌دید و بنابراین به ایجاد این شورای منطقه‌ای بدون حضور عراق رضایت داد (همان، ۱۹۲).

#### ۴. ۱. علل اصلی تشکیل شورای همکاری خلیج فارس

۱. یکی از مهم‌ترین دلایل تشکیل شورا را می‌توان پیروزی انقلاب اسلامی ایران دانست البته از دو بعد می‌توان این تأثیر را مورد توجه قرار داد.

الف) اتحاد بین دول عربی منطقه که دارای نظام‌های حکومتی پادشاهی، امیرنشین و شیخ‌نشین هستند، توان آنها را در مقابله با خطر داخلی افزایش می‌دهد.

ب) این اتحاد، بنیه نظامی-سیاسی آنها را در مقابله خطر احتمالی خارجی (و بیشتر تخیلی ایران) تقویت می‌کند.

## ۵. مسائل ژئوپلیتیک و اختلافات مرزی

میزان دسترسی به منابع آب، رودخانه‌ها و دریا‌های آزاد و مسائل مرتبط با جغرافیای سیاسی منطقه؛ مانند تنگنا‌های ژئوپلیتیک عراق، از جمله مواردی هستند که سطح ناامنی در خلیج فارس را افزایش می‌دهند. واکاوی و ریشه‌یابی اختلافات و منازعات جوامع ساکن در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که امنیت ملی کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه با امنیت آب در این منطقه گره خورده است.

افزون بر مسائل ژئوپلیتیک، مرزهای بین‌المللی و حتی سرزمین‌های فرامرزی نیز مسئله دیگری است که کشورهای خلیج فارس بر سر آن اختلافات گسترده‌ای با همسایگان خود دارند؛ هرچند که شدت و حد این اختلافات بسیار متفاوت است (روشندل و سیف‌زاده، ۱۳۸۲). به‌طور کلی می‌توان اختلافات ارضی و مرزی منطقه را در موارد زیر خلاصه کرد:

### الف) اختلاف بر سر مرزهای دریایی و رودخانه‌ای

۱. درباره مرز دریایی، در خلیج سلوا بین عربستان و قطر.
۲. درباره مرز دریایی در خلیج فارس و دریای عمان، بین امارات متحده عربی و عمان.
۳. درباره مرزهای دریایی، بین امارات متحده عربی و عربستان.
۴. درباره اروندرود، بین ایران و عراق.
۵. درباره مرز دریایی، بین ایران و کویت.
۶. درباره مرز دریایی، بین ایران و امارات متحده عربی.
۷. درباره مرز دریایی، بین بحرین و قطر.

### ب) اختلاف بر سر مرزهای زمینی و تملک جزایر

۱. درباره جزایر تنب و ابوموسی بین ایران و امارات متحده عربی.
۲. درباره مرز زمینی در بخش‌هایی از رأس‌الخیمه و شارجه بین امارات متحده عربی و عمان.
۳. بین امارات متحده عربی و قطر.

۴. بین عراق و کویت تقریباً درباره تمامی سرزمین کویت.
۵. بین عربستان و کویت درباره جزایر قاروه و ام‌المردایم.
۶. اختلافات متعدد ارضی بین عربستان و یمن.
۷. اختلافات بحرین و قطر درباره مجمع‌الجزایر حوار.
۸. اختلافات مرزی و ارضی بین هفت عضو امارات متحده (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۳).

### ۵. ۱. منازعات و مناقشات ارضی و مرزی

اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای حوزه خلیج فارس پدیده‌ی جدیدی نیست و ریشه آن به چند دهه گذشته بازمی‌گردد. اغلب کشورهای این حوزه با یکدیگر مشکل مرزی دارند که بدون تردید این اختلافات مانع از گسترش همکاری میان کشورهای منطقه می‌شود. با این وجود هیچ‌یک از این اختلافات به اندازه موضوع مربوط به جزایر ایرانی مورد ادعای امارات مطرح نشده است که این امر بیانگر مداخلات نیروهای فرامنطقه‌ای در این موضوع است. عناوین اختلافات مرزی کشورهای حوزه خلیج فارس به‌طور اجمالی عبارت‌اند از: عراق از زمان عبدالکریم قاسم به این سو نسبت به کویت ادعای ارضی داشته است و این کشور را یکی از استان‌های خود نامیده است، این ادعا تا حدی پیش رفت که منجر به اشغال کویت توسط صدام حسین رئیس‌جمهور عراق گردید که همین اقدام جنگ‌ها و خسارت‌های فراوان دیگری را به منطقه وارد کرد. عربستان با کشورهای همسایه خود اختلافات ارضی «ام‌المردایم» و مرزی دارد. این کشور با کویت بر سر جزایر که به ترتیب در فاصله ۱۷ و ۴۰ کیلومتری ساحل و قروه ناحیه بی‌طرف واقع شده‌اند، اختلاف دارند. اختلاف دیگر عربستان با کویت مربوط به تعیین حدود فلات قاره دو کشور در خلیج فارس است. کویت مبدأ دریای سرزمینی خود را خطوط مستقیم می‌داند که پیشرفته‌ترین نقاط جزایر بویان، فیلکه و عوهه را به هم متصل می‌کند که عربستان با این رویه مخالف است. عربستان با عمان و امارات متحده عربی نیز نتوانسته است به توافقات مرزی دست یابد. این کشور همچنین با قطر اختلافات ارضی مناقشه‌آمیز دارد،

## ۵.۲. تهدیدات امنیتی و اختلافات ارضی خلیج فارس

کشورهای حوزه خلیج فارس برای رسیدن به یک تفاهم همه‌جانبه برای تأمین امنیت منطقه از مشکلات متعددی رنج می‌برند. عمده این مسائل عبارت‌اند از:

۱. اختلافات ارضی و وجود عقبه حمایتی در کشورهای همسایه.
۲. اختلافات قومی، نژادی و سیاسی در داخل کشور برای کسب پایگاه اجتماعی و به دست‌گیری قدرت.
۳. رواج تبعیض برای توزیع ثروت و قدرت.
۴. اعتقادات مذهبی و اختلافات عقیدتی بین شیعه و سنی و ظهور گروه‌های تندروی مذهبی.
۵. نفوذ قدرت‌های خارجی در طبقه حاکم بر جامعه و مشروعیت حاکمان.
۶. وجود ناسیونالیسم قومی و بحران هویت ملی.
۷. حمایت از گروه‌های مخالف در کشورهای همسایه و گسترش اقدامات مداخله‌جویانه.
۸. مسابقه تسلیحاتی در بین کشورهای منطقه و انعقاد پیمان‌های نظامی با کشورهای خارج از منطقه.
۹. ناهمگونی‌های فرهنگی و اجتماعی ناشی از عدم تعادل و توازن در کسب درآمدهای اقتصادی.

اختلافات ارضی بین کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله مهم‌ترین مسائلی است که از اواخر نیمه اول قرن بیستم امنیت منطقه را تهدید می‌کند. وجود بیش از ۲۰ مورد اختلاف مرزی در بین ۱۰ کشور خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان، خطرات بالقوه‌ای را برای شروع بحران‌های دائمی و نا امنی نوید می‌دهد. البته میزان شدت و ضعف اختلافات موجود در بین کشورهای منطقه به یک اندازه نیست و عمدتاً بستگی به درجه اقتدار، سیاست دولت‌های حاکم و وضعیت داخلی آنها دارد. در جدول زیر مهم‌ترین موارد اختلاف درج شده است (رحیم‌پور، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۸).

منطقه موسوم به ابوالخفوس از سال ۱۹۶۵ منطقه مورد مناقشه طرفین بوده است. قطر و بحرین بر سر جزایر حواری و نوار زباره با یکدیگر اختلاف دارند که کماکان این اختلافات به قوت خود باقی است که موجب سردی روابط دو کشور شده است. قطر و ابوظبی نیز بر سر مالکیت جزیره حالول و چند جزیره کوچک‌تر اختلاف نظر دارند. این دو امیرنشین در مورد آب‌های ساحلی فلات قاره و حتی بندر نفتی ام‌السعید با یکدیگر اختلاف دارند. منازعات موجود بر سر تقسیم مناطق سرحدی و منابع آبی در خلیج فارس نیز یکی از عوامل دوری ملت‌ها و کشورهای این منطقه از یکدیگر بوده و باعث از بین رفتن زمینه‌های نزدیکی و همکاری این کشورها در برخی عرصه‌ها شده است (اکبر، ۱۳۸۸: ۶۱).

جدول ۱. کشورهای منطقه خلیج فارس و اختلاف‌های ارضی و مرزی لاینحل

ردیف	کشورهای طرف اختلاف	موضوع‌های مورد اختلاف
۱	امارات- عمان	مرزهای دریایی در خلیج فارس و دریای عمان
۲	ایران- عراق	مرز رودخانه‌ای
۳	امارات- قطر	جزیره حالول و خورالعدید و چند جزیره دیگر
۴	ایران- کویت	مرز دریایی
۵	عراق- کویت	جزایر وره و بویان و تمام مرزهای دو کشور، مرز دریایی
۶	ایران- امارات	مرز دریایی
۷	عربستان- امارات	مرزهای دریایی
۸	بحرین- قطر	مجمع‌الجزایر حواری و نوار زباره و مرز دریایی
۹	عربستان- قطر	مرز دریایی در خلیج سلوا و خورالعدید و مرز دریایی دو کشور
۱۰	عربستان- کویت	مرز دریایی، جزیره ام‌المردایم و فارو
۱۱	هفت عضو امارات متحده	۱۲ مورد اختلاف ارضی و مرزی دارند

منبع: (زارعی، ۱۳۹۳)

## جدول ۲. اختلاف ارضی بین کشورهای حوزه خلیج فارس

نام کشور	اختلافات ارضی بین کشورهای خلیج فارس
ایران	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اختلاف با عراق بر سر رودخانه اروندرود</li> <li>• تعیین نقطه مرزی با کویت</li> <li>• اختلاف با امارات متحده عربی بر سر مالکیت سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک</li> </ul>
عراق	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اختلاف با ایران بر سر رودخانه اروندرود</li> <li>• اختلاف مرزی با کویت</li> <li>• اختلاف با عربستان سعودی بر روی منطقه بی طرف</li> </ul>
عربستان سعودی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اختلاف با عراق بر سر منطقه بی طرف</li> <li>• اختلاف با کویت بر سر مالکیت دو جزیره قروه و ام‌المردایم</li> <li>• اختلاف اراضی با عمان و قطر</li> <li>• اختلاف اراضی با یمن</li> </ul>
کویت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اختلاف با عربستان سعودی بر سر مالکیت دو جزیره قروه و ام‌المردایم</li> <li>• اختلافات مرزی با عراق</li> <li>• تعیین نقاط مرزی با ایران</li> </ul>
امارات متحده عربی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اختلاف با قطر بر سر خور الادید</li> <li>• اختلاف با ایران بر سر مالکیت سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک</li> <li>• اختلاف با عمان بر سر مالکیت منطقه بریمی و برخی مناطق نفتی رأس الخیمه</li> <li>• اختلاف بر سر تعیین حدود مرزی بین امارات و امیرنشین‌های تشکیل دهنده کشور</li> </ul>
قطر	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اختلاف اراضی با عربستان سعودی</li> <li>• اختلاف با امارات متحده عربی بر سر خور العدید</li> </ul>
عمان	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اختلاف با امارات متحده عربی بر سر منطقه بریمی و برخی مناطق نفتی رأس الخیمه</li> <li>• اختلاف اراضی با عربستان سعودی</li> </ul>

منبع: (جعفری ولدانی، ۱۳۷۲)

### ۳.۵. تنش‌زدایی و اعتمادسازی متقابل

با توجه به شرایط جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و استراتژیک مشترک کشورهای منطقه خلیج فارس، حصول به دو هدف اساسی «امنیت» و «منافع ملی کشورها» در سایه وحدت و هویت منطقه‌ای میسر است. بنا به علل اختلاف نظرهای جغرافیایی، همکاری در زمینه‌های اقتصادی و فنی، که بر همکاری‌های سیاسی-استراتژیک ترجیح دارند، اساس یک نظام امنیتی مبتنی بر همکاری منطقه‌ای و سالم و راه منحصربه‌فرد این کشورها برای رسیدن به اهداف است که در این بخش، الگوهای مناسب ذیل پیشنهاد می‌شوند:

- ایجاد روابط برابر و بدون اهداف چیرگی و رقابت آمیز، اسلام به‌عنوان ایدئولوژی حاکم بر ملت‌های منطقه، باید

- ایجاد روابط برابر و بدون اهداف چیرگی و رقابت آمیز،

وابستگی اقتصادی کشورها به همدیگر، که به همان میزان، این وابستگی اقتصادی بر تصمیمات سیاسی تأثیر خواهد گذاشت و کشورهای منطقه را به هم نزدیک‌تر خواهد کرد و در نهایت، موجب تشنج‌زدایی خواهد شد. همکاری اقتصادی معمولاً از طریق تشکیل اتحادیه‌های مشترک اقتصادی صورت می‌گیرد که پس از اعتمادسازی سیاسی نتیجه می‌دهد. تمام کشورهای منطقه باید در الگوی پیشنهادی اقتصادی، چرخه اقتصادی را از مسائل سیاسی جدا نمایند و به نظام اقتصادی خود سروسامان دهند؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌توان از اهداف ملی کشورها پشتیبانی کرد (آرایشی و همکاران، ۱۰۶: ۱۳۹۵-۱۰۷).

#### ۴.۵. نفوذ قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای

اهمیت منطقه خلیج فارس برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای از زمان حضور پرتغالی‌ها تاکنون - که آمریکا یکه‌تاز عرصه آن است - به‌طور مرتب رو به توسعه و گسترش بوده است. این منطقه، اعتبار خود را در گذشته، از ارتباط‌های بین‌تمدنی، بین دریایی، بین منطقه‌ای و بین‌قاره‌ای دریافت می‌کرد و امروز نقشی بین‌المللی و چندوجهی در فرایند توسعه، امنیت و رفاه جهانی ایفا می‌کند. طبیعی است آمریکا و قدرت‌های برتر نمی‌توانند از منطقه‌ای با این ویژگی ممتاز و بی‌بدیل چشم‌پوشی کنند و ناچارند در تأمین امنیت آن نقش و نفوذ داشته باشند و کشورهای منطقه را به پیروی از دخالت‌های امنیتی خود فراخوانند. یکی از نگرانی‌هایی که کشورهای قدرتمند دخیل در منافع منطقه خلیج فارس دارند، حرکت این کشورها به سمت ساخت ترتیب‌های امنیتی مشترک، بدون حضور آنها است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳۹)؛ بنابراین، این کشورها از چهار دهه گذشته تاکنون تلاش کرده‌اند تا خصومت‌ها و رقابت‌های ناهمگون نظامی در منطقه را تقویت کنند و از سوی دیگر، سرمایه‌های هنگفتی را صرف خرید

که تاکنون مورد بهره‌برداری کشورهای ذی‌نفوذ در منطقه - مانند آمریکا، انگلستان و اسرائیل - بوده است.

- زدودن ذهنیت‌های منفی تاریخی و قبولاندن این موضوع که هیچ‌یک از کشورها هرگز قصد سلطه بر منطقه را ندارد و این موضوع تبلیغ کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا است. در این زمینه، باید دشمن واقعی، اصلی، دیرینه و مشترک دنیای اسلام شناسایی شود.

- نفت به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع تحصیل ارز برای کشورها، اصلی‌ترین منبع درآمد دولت‌های منطقه است، به‌گونه‌ای که نفت و گاز به‌تنهایی قریب به ۹۵ درصد مجموع نیازهای کشورهای موردنظر را تأمین می‌کنند. بدین روی، باید سیاست‌های نفتی هماهنگی با کشورهای منطقه در قبال کشورهای صنعتی، به‌منظور افزایش و کنترل قیمت نفت و حفظ میزان آن اتخاذ شود.

- کاهش بودجه دفاعی کشورها و اساس قرار دادن «دفاع» در تولید و تهیه تجهیزات نظامی و رفع تبلیغات سوء غرب، به‌ویژه آمریکا و جلب اعتماد دولت‌های منطقه خلیج فارس نسبت به یکدیگر.

- اتخاذ تدابیر جدید امنیتی توسط تمام کشورهای منطقه خلیج فارس با تکیه بر اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احساس برابری با همه کشورهای و نداشتن تمایل به چیرگی در چارچوب امنیتی جدید؛ همان‌گونه که گفته شد، امنیت منطقه برای دولت‌های منطقه اهمیت حیاتی دارد. در این باره، باید کمک کرد تا وابستگی نظامی کشورهای منطقه به غرب کاهش و در مقابل، حاکمیت کشورها افزایش یابد.

- گسترش همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای منطقه و انجام مبادلات پر حجم و سعی در افزایش میزان



#### ۱.۴.۵. تأثیر بازی‌های فرامنطقه‌ای بر راهبرد کشورهای منطقه

خلیج فارس یکی از مناطق جهان است که بیشترین نگاه‌ها را به خود معطوف کرده است. قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هر یک به دنبال یافتن مجرای برای تأثیرگذاری بر سیاست کشورهای این منطقه هستند. وجود ذخایر عظیم انرژی در این منطقه و موقعیت ویژه جغرافیایی آن باعث شده است، همه کشورهای نیرومند جهان تلاش کنند تا با کشورهای این منطقه روابط سالم برقرار کرده و بدین طریق نقش رقبایشان را در بازی‌های بزرگ‌تر تضعیف کنند. در شرایط کنونی ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، اتحادیه اروپا، هند و بعضی قدرت‌های دیگر در تلاش یافتن جای پای در خلیج فارس بوده و با توسل به شیوه‌های مختلف می‌کوشند در سیاست کشورهای این منطقه حائز نقش باشند. در این میان آمریکا در حکم یک عامل فرامنطقه‌ای همواره در صدد القاء تفکر ایران خطرناک و هسته‌ای در جهت به خطر انداختن منافع کشورهای منطقه و جهان است. مخالفت‌های شدید در مورد پرونده هسته‌ای ایران و تهدیدات و همسو کردن افکار عمومی با سیاست‌های توسعه طلبانه و یکجانبه‌گرایانه خود از دیگر مشکلات همگرایی منطقه‌ای است. با فروپاشی شوروی و نیز سقوط کابوس منطقه (صدام حسین) آمریکا در صدد معرفی یک منشأ شر و ناامنی در منطقه است. آمریکا در کنار حذف صدام حسین به تهدید موهوم جدیدی بر ضد امنیت منطقه نیاز دارد. آمریکا در روند کنونی روابط خود با ایران به راحتی می‌تواند ایران را منبع ناامنی برای کشورهای منطقه معرفی کند و ضمن جلوگیری از بهبود روابط ایران با کشورهای عربی که برای توسعه اقتصادی ایران حیاتی است و با گسترش جو بی‌اعتمادی بین این کشورها زمینه را برای تداوم حضور نظامی خود در منطقه مطلوب نگه دارد. در این زمینه آمریکا

سلاح‌های غربی کنند. تجربه نشان داده است که هر زمان که کشورهای منطقه به سمت همگرایی منطقه‌ای و ایجاد یک نظام امنیت مشترک گام برداشته‌اند (نظیر سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) کشورهای فرامنطقه‌ای، به اشکال مختلف، کنشگران منطقه‌ای را تحریک می‌کردند تا بتوانند با حمله یا مداخله در امور یا با گشودن باب اختلاف‌های مرزی، شرایط لازم را برای واگرایی و مداخله خود فراهم سازند. این بازی برای ملل منطقه، بی‌حاصل و پرهزینه است و نتیجه آن، حضور ناوهای غربی است که در چند دهه گذشته در منطقه خلیج فارس تداوم یافته است. حضور هر ناو جنگی در خلیج فارس را باید مانعی برای همگرایی کشورهای این حوزه به‌شمار آورد که مدت‌هاست گرفتار آن هستند. آمریکا همیشه در جستجوی یک نیروی بازدارنده دفاعی قوی در منطقه بوده است که با حضور آمریکا ترتیب داده شده باشد و همواره در تلاش و توسل به ابزارهای جنگی و غیرجنگی بوده است تا بتواند شرایط لازم برای ایجاد شبکه دفاعی بین خود و متحدان منطقه‌ای را فراهم سازد، اما تا زمانی که کشورهای منطقه، امنیت خود را وابسته به قدرت‌های فرامنطقه‌ای جستجو کنند و به همسایگان خود بی‌اعتماد باشند، هرگونه ترتیب امنیتی منطقه‌ای، خود عامل اختلاف و اقدام‌های خصمانه بین کشورهای منطقه خواهد بود (همان، ۷۳۹). امروزه نقش آمریکا در منطقه خلیج فارس، تلاش برای جلوگیری از نقش محوری ایران برای همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس است. این کشور در حکم یک عامل فرامنطقه‌ای، همواره در صدد القای تفکر ایران خطرناک و هسته‌ای است که می‌خواهد منافع کشورهای منطقه و جهان را به خطر اندازد. مخالفت‌های شدید در خصوص پرونده هسته‌ای ایران و تهدیدها و همسو کردن افکار عمومی با سیاست‌های توسعه طلبانه و یکجانبه‌گرایانه، خود از دیگر مشکل‌های فراروی همگرایی منطقه‌ای است (همان، ۷۴۰).

خواست و مواضع قدرت‌های فرامنطقه‌ای شکل گرفته است. شش کشور جنوبی حوزه خلیج فارس، خواهان حفظ وضع موجودند؛ زیرا این کشورها توانایی مدیریت بحران‌های امنیتی داخلی و منطقه‌ای را ندارند؛ بنابراین، حضور قدرت‌های بیگانه را عامل مهم امنیت ملی و منطقه‌ای خود محسوب می‌دارند. کشور عراق در گذشته و حتی تاکنون، برداشت متفاوتی از امنیت منطقه خلیج فارس دارد که بر روی نگرش‌های امنیتی‌اش از زمان قبل از حاکمیت حزب بعث تاکنون تأثیر گذاشته است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳۷). نگرش‌ها ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های نخبگان سیاسی این کشورهای عربی، درباره وضعیت حاکم بر منطقه، نه تنها مکمل هم نبوده‌اند، بلکه در تضاد و تعارض با یکدیگر بوده‌اند. رویکرد متفاوت کشورهای منطقه نسبت به محیط بین‌الملل، مشکل‌های زیادی را به وجود می‌آورد. این تفاوت، اتخاذ مواضع مشترک در قبال مسائل ضروری، همانند تولید و صادرات نفت و نیز قیمت‌گذاری آن و در نهایت، فرایند همگرایی منطقه را با مشکل مواجه می‌سازد. می‌توان گفت مسائل و موضوع‌های موجود در منطقه، نظیر انرژی، به جای اینکه زمینه‌ساز تفاهم و توافق و همکاری منطقه‌ای باشد، به مثابه ابزاری ایدئولوژیک به کار گرفته می‌شود. این وضعیت نامطلوب، سال‌هاست که اوپک را به محلی ناتوان و پر از کشمکش درونی تبدیل ساخته است (همان، ۷۳۸).

#### ۷. تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مقاله مشخص می‌سازد که شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ماهیتی امنیتی و راهبردی داشته و به طور مستقیم و غیرمستقیم امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین وجود منافع اقتصادی، ایدئولوژیک و امنیتی مشترک، دولت‌های عربی را بر آن می‌دارد که در چهارچوب همکاری‌های

نه به دنبال همکاری بلکه به دنبال کنترل انحصاری منطقه است. در همین ارتباط آمریکا با ادامه روابط تنش‌آلود با ایران به راحتی می‌تواند حضور در منطقه را برای دولت‌های همسایه ایران توجیه کند. برتری آمریکا در خلیج فارس نقش قاطعی در برتری جهانی آمریکا بازی می‌کند (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۱۲). از این رو، حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه هرچند نشان‌دهنده اهمیت خلیج فارس بوده و فرصت‌های مهم و بزرگی را در عرصه سیاسی و اقتصادی فراروی این کشورها قرار می‌دهد اما از طرف دیگر تأثیرات نامطلوبی را در فضای سیاسی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای مزبور به جای می‌گذارد. چنین فضای مبهم و رقابتی میان قدرت‌های بزرگ مانع از اتخاذ یک راهبرد بلندمدت برای امنیت منطقه شده و باعث شده تا سیاستمداران منطقه همواره روی راهبردهای کوتاه تأکید کنند، نداشتن برنامه و استراتژی بلندمدت باعث به تأخیر افتادن همگرایی منطقه‌ای گردیده و همکاری‌های سازنده کشورهای منطقه را در عرصه‌های مختلف با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

#### ۶. رویکرد متفاوت نسبت به وضع حاکم بر منطقه

منطقه خلیج فارس، از محدود مناطقی است که زیر نفوذ سیاسی، اقتصادی و ژئواکونومیکی بین‌الملل قرار دارد و با توجه به توانمندی‌های بالقوه خود توانسته است برای مقابله با محیط خارجی، با استقلال نسبی برخورد کند. دیدگاه‌های متفاوت کشورهای منطقه، درباره مسائل آن، فضایی مملو از سوءظن را رواج داده و این امر، به سود سیاست‌های اقتصادی و سیاسی کشورهای قدرتمند انجامیده است. به طور کلی می‌توان کشورهای ناحیه خلیج فارس را به سه دسته تقسیم کرد، کشورهایی نظیر جمهوری اسلامی ایران که خواهان تغییر وضع موجودند. ایران شرایط حاکم بر خلیج فارس را نمی‌پذیرد و معتقد است این سیاست‌ها بر اساس

صلح منطقه‌ای را در منطقه خلیج فارس فراهم آورند تا این حرکت زمینه‌ای جهت عدم مداخله قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس شود.

### منابع

- آرایشی، حسن؛ سالاری سردری، فرضعلی؛ نوری، مهدی. (۱۳۹۵). «چالش‌های هم‌گرایی منطقه‌ای در خلیج فارس». فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس. سال ۳، شماره ۹. ص ۹۵-۱۱۱.
- ازغندی، سیدعلیرضا. (۱۳۷۸). «تنش‌زدایی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷-۷۸)». فصلنامه سیاست خارجی. سال ۱۳، شماره ۴. ص ۱۰۴۸-۱۰۳۵.
- اسدی، بیژن. (۱۳۸۵). خلیج فارس و مسائل آن. تهران: انتشارات سمت.
- اقتداری، احمد (۱۳۸۷). خلیج فارس از دیرباز تا کنون. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اکبر، سید عبدالله. (۱۳۸۸). «عوامل بازدارنده در همگرایی کشورهای حوزه خلیج فارس». مجله رویدادها و تحلیل‌ها. شماره ۲۲۹. ص ۶۳-۶۰.
- الهی، همایون. (۱۳۸۴). خلیج فارس و مسائل آن. تهران: نشر قومس.
- برزگر، کیهان. (۱۳۸۰). «خاتمیسم، الگوی جدید در مناسبات بین‌المللی». در ذاکران، مهدی. سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب‌نظران. تهران: انتشارات همشهری. جلد اول.
- برچر، مایکل؛ ویلکنفد، جاناتان. (۱۳۸۲). بحران، تعارض و بی‌ثباتی. با همکاری پاتریک جیمز ... [و دیگران]. ترجمه علی صیحدل. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهزادی، حوریه. (۱۳۸۹). ایران و امنیت خلیج فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- پاتر، لورنس. (۱۳۷۴). «اقدامات اعتماد ساز در خلیج فارس». در مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- پیشگاه هادیان، حمید. (۱۳۸۸). روابط ایران، عربستان سعودی و عراق بعد از ۱۱ سپتامبر. تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- جالینوسی، احمد؛ البرزی، هنگامه؛ یگانه، طباطبایی. (۱۳۹۳). «نقش و اگراییانه آمریکا در منطقه خلیج فارس، پس از ۱۱ سپتامبر». فصلنامه سیاست جهانی. دوره ۳، شماره ۴. ص ۲۱۳-۱۸۳.

درون‌گروهی، اتحادها و ائتلاف‌هایی را به وجود آورند که شورای همکاری خلیج فارس از جمله سازمان‌هایی است که ابتدا در تشکیل آن بر همکاری اقتصادی تأکید شد درحالی‌که امنیت منطقه‌ای زمینه اصلی تشکیل شورا بود ولی بنا به ملاحظات در ظاهر اهداف اقتصادی در اولویت قرار گرفته بود. می‌توان گفت پیروزی انقلاب اسلامی اصلی‌ترین دلیل بر شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس شد، این انقلاب با دارا بودن آرمان‌های جهانی و اهداف ضد امپریالیستی در منطقه‌ای استراتژیک همچون خلیج فارس، الگوی جدیدی را به وجود آورد که با به چالش کشیدن قدرت‌های مسلط جهان در زمان خود، باعث شد الگوی توزیع قدرت جهانی و منطقه‌ای دستخوش تغییر و تحول اساسی شود؛ اما باید اشاره کرد که اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای حوزه خلیج فارس پدیده جدیدی نیست و ریشه آن به چند دهه گذشته بازمی‌گردد. اغلب کشورهای این حوزه با یکدیگر مشکل مرزی دارند که بدون تردید این اختلافات مانع از گسترش همکاری میان کشورهای منطقه می‌شود. همچنین عامل دیگری که در این منطقه منجر به نزاع و تنش‌های بسیاری بین ایران و کشورهای همسایه شده است و در طول تاریخ قراردادهای بسیاری وضع گردیده است، «آب» است که به موضوعی هیدروپلیتیکی در این منطقه تبدیل شده است؛ زیرا آب به‌عنوان یک منبع جغرافیایی قدرت به ارزش بالاتر از سطح ملی تبدیل شده است و به یک مؤلفه ژئوپلیتیکی تأثیرگذار در منطقه خلیج فارس تبدیل شده است؛ بنابراین از چالش‌های هیدروپلیتیکی که ایران در حوزه خلیج فارس با کشورهای همسایه دارد، به عواملی چون مرزهای دریایی، مرزهای رودخانه‌ای، برداشت و استفاده از آب‌های دریایی، دستیابی به آب شیرین و عواملی از این دست می‌توان اشاره کرد. از این‌رو تدبیر مناسب آن است که کشورهای منطقه با هوشیاری کامل بتوانند چالش‌های مرزی خود را در منطقه خلیج فارس حل و فصل کنند تا بتوانند زمینه شکل‌گیری،

- جان‌پرور، محسن. (۱۳۹۶). «نگرشی نو به مطالعات مرزی (مفاهیم، اصول و نظریه‌ها)». تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۷۴). تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس. تهران: نشر قومس
- جعفری ولدانی، اصغر؛ کاشانی، نیلوفر. (۱۳۷۲). مجموعه مقالات سومین سمینار خلیج فارس. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- جمشیدی، محمدحسین؛ سلطانی‌نژاد، احمد؛ بیات، جلیل. (۱۳۹۵). «نقش ارتباطات میان فرهنگی در تصمیم کشورها به تنش‌زدایی». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل. دوره ۱، شماره ۲۲، ص ۳۵-۵۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۷۲). «تنگه هرمز و امنیت جمعی در خلیج فارس». در مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس. تهران: وزارت امور خارجه.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ جان‌پرور، محسن. (۱۳۹۳). مرزها و جهانی‌شدن؛ با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران. تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- حسینی، سیدحسین. (۱۳۸۵). «بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود؟». فصلنامه امنیت. سال ۵، شماره ۱ و ۲. ص ۷-۵۱.
- خویی، احمد. (۱۳۷۲). «همگرایی‌های استراتژیک در خلیج فارس». در مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس. تهران: وزارت امور خارجه.
- دراسیدل، آلاسیدیر؛ بلیک، جرالدهنری. (۱۳۷۴). جغرافیا سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه دزه میرحیدر. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ذوالفقاری، مهدی. (۱۳۸۴). «پیامدهای حضور آمریکا در منطقه». روزنامه رسالت. ۲۶ اسفند ۱۳۸۴. ص ۱۲.
- ذوالفقاری، حسن؛ زارعی، بهادر؛ حسین‌پور مطلق، مهدی و آرش قربانی سپهر. (۱۳۹۸). «نگرشی امنیت پژوهانه به چالش‌های ناسیونالیسم و فرهنگی مذهبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس». سال ۷، شماره ۲۷. ص ۸۱-۱۰۸.
- رحیم‌پور، علی. (۱۳۸۹). «امنیت خلیج فارس و جایگاه استراتژیک ایران». فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی. سال ۳، شماره ۱. ص ۱۱-۳۰.
- روشندل، جلیل؛ سیف‌زاده، سیدحسین. (۱۳۸۲). تعارضات ساختاری داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در خلیج فارس. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- زارعی، بهادر؛ شاهدوستی، حسین؛ زینی‌وند، علی. (۱۳۹۳). «فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس». پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۴۶، شماره ۴. ص ۷۵۵-۷۳۱.
- زرقانی، سیدهادی. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- سازمند، بهاره؛ جوکار، مهدی. (۱۳۹۵). «مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویاها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس». فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۱۲، شماره ۲. ص ۱۷۷-۱۵۱.
- طالی‌حور، رهبر؛ صبور، محمدحسن. (۱۳۹۱). «شورای همکاری خلیج فارس و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». نشریه امنیت پژوهی. شماره ۱۱. ص ۲۱۷-۱۸۵.
- قاسم، قاسم‌زاده. (۱۳۷۹). «سیاست تنش‌زدایی و تجدید روابط سیاسی ایران و مصر». دو فصلنامه مطالعات آفریقا. سال ۵، شماره ۲.
- قربانی سپهر، آرش؛ نامدارزاده، مسلم؛ دلالت، مراد. (۱۳۹۷). «بحران آب و نابسامانی محیط‌زیست شهری». در همایش ملی مخاطرات طبیعی ایران، روش‌های پیش‌یابی و هشدار سری. تهران: نیروهای مسلح. ص ۱۲-۱.
- قربانی‌نژاد، ریباز؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ احمدی‌پور، زهرا؛ عبدالعلی، قوام. (۱۳۹۲). «بررسی و نقد نظریه‌های تنش و منازعه کشورهای ارائه مدل نظری». فصلنامه سیاست دفاعی. شماره ۸۲. ص ۱۹۰-۱۵۱.
- قزلباش، جواد؛ گودرزی، مهناز؛ مسعودنیا، حسین. (۱۳۹۶). «بررسی ساختار نظم امنیتی خلیج فارس در چارچوب روابط ایران و عربستان با تأکید بر نقش آمریکا در منطقه». فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی. سال ۶، شماره ۲۱. ص ۳۲-۱.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). کشورها و مرزها. تهران: نشر عطایی.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت.
- موفقیان، پرستو؛ فرجی‌راد، علیرضا. (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل منشأ جغرافیایی و فرهنگی تنش بین ایران و پاکستان». پژوهشنامه خراسان بزرگ. دوره ۲، شماره ۷. ص ۸۷-۷۷.
- میرحیدر، دره. (۱۳۸۰). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- هاشمی، سید مصطفی؛ منتظری، مرجان. (۱۳۹۵). «نقش نظام‌های سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس در بی‌ثبات‌سازی امنیت خلیج فارس». فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس. شماره ۷. ص ۹۵-۱۰۶.
- هاشمی، فاطمه. (۱۳۹۰). «امنیت پایدار در خلیج فارس: موانع و سازوکارها». فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۷، شماره ۱. ص ۱۶۷-۱۳۶.